

دفاع در قرآن^۱

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی فیروزمهر*

اشاره

دفاع از اقسام جهاد و به معنای جنگی است که انسان در مقابل حمله دشمن و برای جلوگیری و پیشگیری از هجوم دشمن به مسلمانان و اساس اسلام انجام می‌دهد. همچنین پس زدن متجاوز به جان، مال، آبرو و ناموس و مبارزه برای اثبات حق، گرفتن مال یا حفظ آبرو و ناموس دفاع نامیده می‌شود. دفاع برای هر موجود زنده امری غریزی است و به انسان اختصاص ندارد؛ از این رو همه موجودات جهان به شکل طبیعی به ابزار دفاعی تجهیز شده‌اند.

دفاع دوگونه است: دفاع عام که دفاع از کیان اسلام و کرامت انسانی است و دفاع خاص که دفاع از جان و مال و ناموس شخص مدافع است. دفاع در سه حوزه کلی تشریع شده است: دفاع از کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی، دفاع از حریم شخصی و دفاع از ستمدیدگان.

از دفاع در قرآن با واژه‌های گوناگونی یاد شده است، برای نمونه «دفع» و مشتقات آن ۱۰ بار در قرآن به کار رفته است که مواردی از آن به معنای دفاع اصطلاحی است. (نک: بقره/۲، ۲۵۱؛ آل‌عمران/۳، ۱۶۷)؛ نیز «قتل» و مشتقات آن که در مواردی به جنگ کردن با دشمن در مقابل نبرد آنان دستور داده است^۲ (نک: بقره/۲، ۱۹۰)؛ همچنین دستور به جنگیدن با کسانی که مسلمانان را از وطنشان بیرون رانده‌اند^۳ (نک: بقره/۲، ۲۴۶)، به همین جهت کسانی را که در راه خدا و برای دفاع از مردان، زنان و کودکان مستضعف مبارزه نمی‌کنند را نکوهیده است.^۴ (نساء/۴، ۷۵) مفسران آیه ۱۴۸ نساء/۴ را نیز به دفاع زبانی ستمدیده از خود تفسیر کرده‌اند.

۱. برگرفته از مقاله دفاع در دائره المعارف قرآن کریم.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. محمدجواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. سید عبدالاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۴۳ - ۱۴۴.

۴. محمد صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۵، ص ۱۸۰.

پیشینه دفاع

به گفته دانشمندان علوم طبیعی «دفاع» برای هر موجود زنده امری غریزی است و به انسان اختصاص ندارد، از این رو همه موجودات جهان به شکل طبیعی به ابزار دفاعی تجهیز شده‌اند.^۱ برخی دانشمندان اسلامی، چون دنیا عالم تراحم است، دفاع برای هر پدیده زنده امری فطری دانسته‌اند.^۲ بسیاری از پیامبران و پیروان آن‌ها در راه خدا و دفاع از اهداف الهی با دشمنان به نبرد برخاسته‌اند.

موارد تشریع دفاع و احکام آن

در موارد مختلفی از منابع فقهی - مانند ابواب جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حدود، رابطه - از دفاع سخن گفته شده است که به شکل کلی می‌توان آن را در سه حوزه بررسی کرد.

۱. دفاع از کیان اسلام و سرزمین‌های مسلمانان

قرآن در آیه ۶۰ انفال/۸ به آمادگی نظامی در برابر حمله دشمن اشاره دارد و مسلمانان را در برابر تهاجم پیش‌بینی نشده دشمنان بر ضد مسلمانان به آمادگی دفاعی ترغیب می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ».^۳ (انفال/۸، ۶۰) این تاکتیک دفاعی سبب می‌شود دشمن در اندیشه حمله به مرزهای اسلامی نباشد، از این رو فقیهان به هنگام درگیری و رویارویی با دشمن، دفاع را واجب دانسته‌اند.^۴ نزدیک به همه فقها با استناد به آیاتی چون «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقْتُلُونَكُمْ ... * فَإِنْ قَتَلْتُمْ فَأَقْتُلْتُمْ» (بقره/۲، ۱۹۰ - ۱۹۱)، «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ» (بقره/۲، ۱۹۴) و «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره/۲۵۱، ۲؛ نیز نک: حج/۲۲، ۳۹ - ۴۰) دفاع از کیان اسلام، جان، مال، آبرو و حریم مسلمانان در برابر تهاجم دشمن را امری مشروع و ضروری خوانده‌اند^۵ که ویژه شخص و زمان خاصی نیست.^۶ گرچه مفسران ذیل این آیات بیشتر به بررسی جنگ مسلمانان با مشرکان پرداخته‌اند، از آنجا که حکم به قتال در مقابل کسانی است که به کشتار

۱. عمرو بن بحر جاحظ، کتاب الحيوان، ج ۷، ص ۲۴۶ - ۲۴۷.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۹ - ۷۱.

۳. علی بن محمد طبری کیه‌راسی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۷۸۲ - ۸۷۳.

۴. ر.ک: محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۸.

۵. محمد بن حسن طوسی، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۹۰.

۶. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۱۸ - ۱۹.

مسلمانان پرداخته‌اند، قطعا حکم دفاع را بیان می‌کند.^۱

بر این پایه، برخی جهاد ابتدایی را به گونه‌ای کلی جایز نمی‌دانند و معتقدند آیات مطلق جهاد در راه خدا (مانند آیات ۲۱۶ بقره/۲، ۷۶ نساء/۴، ۲۹ و ۱۱۱ توبه/۹) با آیاتی که جهاد را به هجوم دشمن تقیید کرده (بقره/۲، ۱۹۰-۱۹۴؛ حج/۲۲، ۳۹-۴۰) تخصیص خورده‌اند و بر این پایه، جهاد تنها در برابر هجوم دشمن و برای دفاع از مسلمانان و اسلام مشروع است^۲؛ حتی برخی به عدم جواز قتال مشرکانی فتوا داده‌اند که به مبارزه با مسلمانان نمی‌پردازند.^۳

برپایه برخی از آیات یاد شده، در مکه که شهر امن الهی است، نباید جنگ و خونریزی انجام گیرد؛ اما تا وقتی که دشمن به شمشیر دست نبرده و اگر دشمن به جنگ دست زد، حتی در مسجد الحرام باید با او پیکار کرد و به سزای اعمالش رساند: «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَتَلُوكُمْ فَأَقَاتِلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱/۲) امام صادق علیه السلام آیه ۳۹ حج/۲۲ را گویای جواز دفاع در برابر دشمن در هر زمان دانسته‌اند.^۴

قرآن، مقابله به مثل را شرط دفاع می‌داند. (بقره/۲، ۱۹۴؛ نیز شوری/۴۰، ۴۲)، بنابراین در دفع ظلم دشمن باید به اندازه تجاوز او پاسخ داد.^۵ برخی از فقها اقدام به بیش از تجاوز دشمن در دفاع را ضمان آور، حتی موجب قصاص دانسته‌اند.^۶ به نظر فقهای شیعه، در جهاد دفاعی اجازه امام معصوم علیه السلام شرط نیست^۷؛ ولی از آنجا که در جهاد دفاعی نیز به فرماندهی برخوردار از دانش جنگ و درایت لازم نیاز است، انجام گرفتن آن را با رهبری پیشوایی عادل بهتر می‌دانند^۸ و در نبود پیشوایی عادل، دفاع با راهنمایی امام جور را جایز می‌خوانند با این شرط که مدافع به نیت دفاع از خود، اسلام و مسلمانان پیکار کند؛ نه به قصد دفاع از امام جور.^۹

۱. نک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۲۱.

۲. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۳۲-۳۴.

۳. ر.ک: نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۳۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۷.

۵. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۳۲.

۶. سید روح‌الله خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۴۸۸.

۷. محمد بن حسن طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۲۹۰.

۸. قطب‌الدین سعید بن عبدالله راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۳۲-۳۳۳.

۹. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۴۷.

۲. دفاع از حریم شخصی

دفاع از حریم شخصی به حکم عقل و فطرت بایسته است و متون دینی نیز بر آن تأکید دارند و دفاع از جان، مال، عرض و ناموس واجب است.^۱ این نکته را از برخی عمومات قرآن، مانند آیه ۱۹۴ بقره/۲؛ ۳۹-۴۱ شوری/۴۲ می‌توان دریافت. از آیاتی دیگر نیز می‌توان حکم دفاع شخصی را فهمید؛ مانند «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره/۱۹۵). برخی این آیه را دلیل بر وجوب دفاع شخص توانا در برابر سارق و جز او دانسته‌اند.^۲ شخص توانمند اگر در برابر سارق و متجاوز از خود دفاع نکند و تسلیم او شود با دست خودش، خود را به هلاک انداخته است؛ نیز نظیر «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسَّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ» (نساء/۴، ۱۴۸) که به مظلوم اجازه می‌دهد در مقام دفاع از خود تظلم کند و بدی‌هایی را که در حق او شده بازگو کند.^۳ آیه ۶۰ حج/۲۲ به کسانی که در برابر ظالم از خود دفاع می‌کنند، نصرت الهی را وعده می‌دهد که بنابر نظری به دفاع از نفس اشاره دارد.^۴ چنان‌که آیه ۱۹۰ بقره/۲ نیز فقها در احکام این گونه دفاع گفته‌اند اگر مدافع به هنگام دفاع از خود و حریمش (همسر، فرزند، خادم و...) به مهاجم و یا اموال او آسیبی نزند، ضامن نیست و مهاجم نمی‌تواند وی را قصاص کند؛ یا دیه یا ارش از او بخواهد.^۵

۳. یاری مظلوم

از آنجا که ظلم در اسلام منفور است^۶، مقابله با ستم و دفاع از مظلوم برای خشکاندن ریشه ستم راهکاری مناسب و مشروع است^۷؛ ولی مسلمانان در دفاع از جان، مال و ناموس خویش نباید تجاوزگری پیشه کرده و بیش از آنچه به آنان ظلم شده در مورد دشمن خویش انجام دهند: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُم وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۲، ۱۹۰)، گرچه

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۱۹؛

۲. محمد بن حسن طوسی، الخلاف فی الاحکام، ج ۵، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۳. ر.ک: محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۱.

۴. سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۰۰.

۵. محمدجواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۱، ص ۳۹۷.

۶. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۶۵۰-۶۵۱.

۷. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، ص ۲۷۲-۲۷۴.

۸. ر.ک: محمدجواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۷، ص ۱۱۳.

برخی این آیه را از آن رو که تنها جنگ با کسانی را جایز می‌داند که با مسلمانان نبرد می‌کنند، منسوخ با آیه ۵ توبه/۹ دانسته‌اند که مسلمانان را به جنگ با مشرکان به صورت مطلق دستور می‌دهد^۱ و بر اساس آن، نبرد با کافران را تنها به سبب کفرشان واجب خوانده که این حکم اطفال، رهبانان، کشاورزان، زنان و مردان غیر جنگجوی کفار را نیز در برمی‌گیرد.^۲

در مقابل، بسیاری از مفسران منسوخ بودن آیه را نپذیرفته و معتقدند سبب قتال با مشرکان، تجاوز نظامی آنان است، بنابراین «وَلَا تَعْتَدُوا» کشتار رهبانان را که در صومعه‌ها سرگرم عبادت‌اند و اطفال و زنان، نیز کسانی را که کارشان جنگ با مسلمانان نیست - مانند کشاورزان - یا کسانی را که به نبرد با مسلمانان نپرداخته‌اند روا نمی‌شمارد.^۳ به دیده برخی، این آیه از نخستین آیاتی است که تهاجم نظامی به دشمن را برای دفاع تشریع و مسلمانان را به آن تشویق کرده است.^۴

به هر روی، قرآن کریم به مسلمانانی که تنها به جهت پذیرفتن دین خدا از سرزمینشان رانده شده و دشمنان اموال آنان را غصب کرده‌اند، جهاد در مقابل آنان را اجازه می‌دهد:^۵ «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا... * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (حج/۲۲، ۳۹-۴۰) بر اساس شأن نزولی که برای این آیه یاد شده است، ظلمی که مشرکان نسبت به مسلمانان روا می‌داشتند، آزاری بود که بارها مسلمانان از آن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکایت می‌بردند و حضرت از این رو که هنوز مأمور به جنگ نبود، آنان را به صبر امر می‌کرد، تا اینکه آیه در مدینه نازل شد.^۶ در پی فرود آمدن این آیات، مسلمانان نه تنها به دفاع از خویش وظیفه داشتند، باید از دیگر مسلمانان ستم‌دیده نیز دفاع می‌کردند: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا... * الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (نساء/۴، ۷۵-۷۶) بر اساس شأن نزولی در

۱. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۵۹ - ۲۶۰.

۲. نک: ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب ماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۹۰.

۳. محمد بن احمد ابوالفتح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۳، ص ۷۳؛ ج ۹، ص ۱۴۳.

۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷؛ سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۵.

۵. ر.ک: نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، جهاد در اسلام، ص ۲۶ - ۲۷.

۶. محمدجواد عاملی، مقتنیات الدرر فی شرح المختصر، ج ۷، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

این باره، مسلمانان مکه که نتوانسته بودند همراه دیگر مسلمانان به مدینه هجرت کنند و در دفاع از خود در برابر ظلم مشرکان نیز توان نداشتند، برای رهایی خود از آزار آنان از مسلمانان کمک خواستند^۱، از این رو قرآن با نكوهش کوتاهی در دفاع از مسلمانان مظلوم مکه، مؤمنان را به جنگ با دشمنان آنان ترغیب کرد.

مفسران بر اساس «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذِمَتْ صَوْمِعُ وَيَبِغُ وَصَلَوْتُ وَمَسْجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۲۲،۴۰) دفاع خدا از مظلومان راستی الهی دانسته‌اند که به دست انسان‌ها انجام می‌شود و در همه ادیان الهی این سنت بوده است و اگر خدا به دست گروهی از هر امتی به دفاع از گروه دیگر نمی‌پرداخت، مشرکان مراکز عبادی بندگان خدا را، اعم از صومعه‌ها، کلیساها و مساجد، ویران می‌کردند.^۲

براساس برخی از آیات، شرط دفاع از مظلوم مشرک بودن ظالم نیست، بلکه اگر دو گروه مسلمان به نبرد با یکدیگر پردازند، نخست باید برای خاموش کردن آتش جنگ و ایجاد صلح کوشید و چنانچه در این باره توفیقی به دست نیامد و یک گروه از آنان به تجاوزگری خود ادامه داد، باید به دفاع از مظلوم با گروه ستمکار ستیز کرد، تا در برابر حق تسلیم شده و از تجاوزگری دست بردارد (حجرات/۴۹،۹).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۳. ابوالفتوح رازی، محمد بن احمد، روض الجنان و روح الجنان، چاپ اول، تهران: انتشارات علمیة اسلامیة، ۱۳۸۳ق.
۴. جاحظ، عمرو بن بحر، کتاب الحيوان، تحقیق: محمد باسل عیون سود، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۳۱.

۲. محمدجواد عاملی، مقتنیات الدرر فی شرح المختصر، ج ۷، ص ۲۳۷.

۵. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، چاپ اول، قم: مؤسسه دار العلم، بی تا.
۶. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، فقه القرآن، تحقیق سید احمد حسینی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۷ق.
۷. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، قم: نشر آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۴۱۴ق.
۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، چاپ اول، تهران: مؤسسه الفرقان، ۱۴۰۶ق، ۱۰ جلد.
۹. صالحی نجف آبادی، نعمت الله، جهاد در اسلام، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳ش.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ اول، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف فی الاحکام، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.
۱۶. عاملی، محمدجواد، مقتنیات الدرر فی شرح المختصر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۷. کیاهراسی، علی بن محمد طبری، احکام القرآن، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۸. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، الاحکام السلطانیة، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۹. مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربیه، ۱۹۶۸م.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۲۱. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۳ق.
۲۲. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۷۴ش.